Journal of Socio-Political Developments in Contemporary Iran

http://doi.org/10.30510/pscci.2026.589788.1429

The Approach of Hamshahri Cinema Magazine to Cinema in Relation to the Discourse of the Islamic Revolution during the Ninth Government

Parisa Amirifard1

Received: 14 April 2026

Reception: 14 July 2026

Abstract:

This article examines the discursive orientation of Hamshahri Cinema magazine through a systematic content analysis of six issues, with the aim of mapping its positioning across key domains, including indigenous aesthetics, state critique, media functions, and modes of cultural criticism. The findings reveal a strong alignment with the discourse of the Islamic Revolution in the field of cinema, with 96% of the analyzed content reflecting themes consistent with this framework. Among the six identified thematic categories, "the critique of public culture in pursuit of a realist perspective" emerges as the most prominent, accounting for 44% of the total content. In relation to state cultural policies, the magazine adopts an overwhelmingly critical stance: only 3% of the content supports governmental policies and practices in cinema and television, while 97% articulates critical perspectives, most notably through the recurrent theme of "government mismanagement in the cinematic sector" (55%). In terms of media function, the magazine is primarily oriented toward information dissemination and public awareness, followed—albeit to a lesser extent—by educational and advisory roles, whereas promotional and entertainment functions remain marginal, together constituting just 4% of the content. The analysis of aesthetic orientations indicates a near balance between Islamic-Iranian (13%) and non-religious/Western (15%) aesthetic frameworks. Finally, the magazine's critical discourse reflects a relatively even distribution between positive and negative evaluations of cinematic works, while privileging technical and aesthetic modes of critique as its dominant analytical approaches.

[1]Assistant Professor of Political Science, Payam Noor, Tehran, Iran

فصلنامه تحولات سیاسی اجتماعی معاصر ایران، سال پنجم ، ویژه نامه۱٤۰۵، صص ۱۸-۲

http://doi.org/10.30510/pscci.2026.589788.1429

رویکرد مجله همشهری به سینما در نسبت با گفتمان انقلاب اسلامی در دولت نهم

پریسا امیری فرد[۱]

تاریخ دریافت :۲۵ /۱٤۰۵/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱٤۰۵/۰٤/۲۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر این بود که با استفاده از روش علمی تحلیل محتوا، ٦ شماره مجله همشهری سینما را بررسی نموده و جهت گیری های کلی این نشریه در قبال شماری از مباحث مانند زیبایی شناسی بومی، نقد دولت، کارکردهای رسانه ای و روش ها و حوزه های انتقادی را آشکار نماید.

نتیجه تحلیل محتوی همشهری ٢٤ نشان می دهد که رویکرد غالب مجله تحقق گفتمان انقلاب اسلامی در سینماست. در این نشریه، ۹٦ درصد مضامین مرتبط با گفتمان انقلاب اسلامی بود و از میان ٦ شاخصه مضمونی طرح شده در مورد گفتمان انقلاب اسلامی «آسیب شناسی فرهنگ عمومی برای رسیدن به نگاهی واقع بینانه» با ٤٤ درصد در صدر مضامین قرار گرفت. در پاسخ به سوال بعدی یعنی رویکرد مجله در قبال سیاستهای فرهنگی دولت مشخص شد که رویکرد غالب نشریه در این مورد، نقد است. تنها ۳ درصد از مضامین در حمایت از سیاستها و رویه های اجرایی دولت در مورد سینما (و تلویزیون) بود و در مقابل ۹۷ درصد مضامین دارای رویکرد انتقادی نسبت به دولت بودند. پرتکرارترین مضمون در این بخش با ۵۵ درصد کل مضامین، «سوء مدیریت دولت در بخش سینما» است. در بررسی های موردی نیز مشخص شد که پر حجم ترین کارکردهای رسانه ای در همشهری سینما در وهله اول خبردهی و آگاه سازی است پس از آن با نسبت کمتر، آموزش و راهنمایی. دو کارکرد ترویج و تبلیغ و تفریح و سرگرمی در مجموع تنها چهار درصد از حجم مطالب را به خود اختصاص داده اند. بررسی مسئله نسبت نشریه با مبحث زیبایی شناسی نیز نشان داد که زیبایی شناسی اسلامی-ایرانی با ۱۳ و زیبایی شناسی غبر دینی و غربی با ۱۵ درصد، حجمی تقریبا مساوی از مجله را به خود اختصاص داده اند. در مورد رویکرد نقد سینمایی همشهری هم مشخص شد که در مجموع و با در نظر گرفتن کلیت مطالب، هر دو دیدگاه نقد مثبت و منفی تقریبا به یک اندازه در مجله وجود دارد. در مورد حوزه های نقد هم مشخص شد که دو رویکرد نقد فنی و نقد زیبایی شناسی رویه اصلی نقد در مجله را تشکیل می دهد. **کلیدواژگان : سینما، انقلاب اسلامی، گفتمان غیر دینی ، زیبایی شناسی اسلامی، زیبایی شناسی غیردینی**

---

[۱] استادیار علوم سیاسی، پیام نور تهران، ایران

مقدمه

یکی از حوزه های چالش برانگیز در دولت نهم ، نقد سیاست های دولتی در نسبت با سینما و تلویزیون بود. این پژوهش در ادامه طرح های پژوهشی قبلی که بر اساس روش تحلیل محتوا به رسانه مجلات همشهری پرداخته است ، مجله ٢٤ در شماره های منتخب چاپ شده در دولت نهم را مورد تحلیل قرار می دهد. رسالت یک مجله به عنوان نماینده و انتقال دهنده افکار عمومی و ارتباط یک رسلنه چون مجله به عنوان انتقال دهنده پیام با کارکرد آموزش و فرهنگ سازی و سیاست های دولت از مباحث مهم سیاستگذاری رسانه محسوب می شود. با توجه به نقش آموزشی و فرهنگی این مجله در بیان مشکلات و مطالبات اجتماعی درصدد برآمدیم تا در قالب یک پژوهش به سوال اینکه آیا سیاست های دولت نهم در حوزه فرهنگ ارتباط با گفتمان انقلاب اسلامی و اشاعه و تعمیق گفتمان دارد یا خیر؟ زیبایی شناسی اسلامی که در سینما در قالب تولید فیلم های این دوره چگونه و چه نسبتی با گفتمان انقلاب اسلامی برقرار می کند؟ سیاست های دولت در خصوص سینما چه تاثیری برعملکرد تولید فیلم در سینما دارد و سیاست های فرهنگی در چه جهتی حرکت می کند؟ خصوصی کردن تلویزیون، خصوصی کردن سینما، عمومی کردن و... ؟ زیبایی شناسی غیر دینی چه سهمی از تولیدات سینما بر اساس کارکرد اطلاع رسانی مجله ٢٤ دارد؟

روش پژوهش :

در تحلیل محتوا :

۱. موضوع مورد مطالعه از قبل تعیین می‌گردد که می‌تواند لغات، جملات، عناوین اصلی مقالات و موارد مشابه آن باشد. به عنوان نمونه، پژوهش برای بدست آوردن بار ارزشی به کار رفته در یک مقاله انجام می‌گیرد.

معمولترین واحدهای ثبتی که برای انجام پژوهش های تحلیل محتوا به کار گرفته می شوند عبارتند از:

۱. کلمه یا اصطلاح: کوچک ترین واحدی است که در تحلیل محتوا به کار گرفته می‌شود. به واسطه آن می‌توان فهرستی از فراوانی واژگان مورد نظر در متن را معین نمود. مثلاً، واژه «صلح» و کلمات وابسته به آن را می‌توان در یک پیام برشمرد و از طریق تحلیل آن، به نتایجی دست یافت.

۲. مضـمون ها: واحد مناسـب‌تری جهت ثبت داده‌هاسـت و برای مطالعه رفتار، تصـاویر، بندها، ارزش‌ها و تبلیغات بیشتر کاربرد دارد. آنچه در مضمون‌ها ضروری به نظر می‌رسد، باید مشـخص شـود که کدام یک از مکان‌ها مورد جسـتجو قرار گیرد و یا کدام بخش از پیام مورد نظر است؛ زیرا مضمون‌ها در جمله واره‌ها بسیار متفاوتی به کار گرفته می‌شوند.

۳. شخصیت‌ها یا اسامی: در بعضـــی مطالعـــات از شخصیت‌ها و اسامی به جای جملات و واژه‌ها استفاده می‌شود. پژوهشگر می‌تواند از طریق ثبت اسامی افراد و اشخاص استفاده شده در متن‌های مختلف، به نتایج مورد نظر دست یابد.

٤. پاراگراف‌ها یا بندها: این واحد کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد زیرا به سختی می‌توان از طریق پاراگراف چیزهای مختلف را طبقه بندی و کدگذاری نمود.

۵. مورد: واحدی کلی است که توسط فرستنده پیام به کار گرفته می‌شود که ممکن است کتاب، مقاله و سخنرانی باشد. استفاده از مقولات برای تجزیه و تحلیل مناسب می‌باشد؛ زیرا انواع کتاب‌ها در کتابخانه‌ها به صورت موضوعی طبقه بندی شده است که می‌تواند مفید باشد.

سینمای ایران:

واحد ثبت در این تحلیل به طور موازی «مضـــمون» و «مورد» خواهد بود. به این ترتیب ابتدا مطالب چاپ شده در هر شماره بر اساس مضمون هر نوشته مورد بررسی قرار می گیرند. با توجه به اینکه یکی از اهداف این پژوهش تعیین نسـبت این نشـریه با مباحثی مانند تحقق گفتمان انقلاب اسلامی در سینما و رویکرد مجله در قبال سیاستهای فرهنگی دولت است، در بخش مضمون، به بررسی این مسئله خواهیم پرداخت که مضامین مرتبط با گفتمانهای ایرانی اســـلامی و غربی در همشـــهری ســـینما ٢٤ چه دســـته بندی ها و رویکردهای مختلفی را شامل می شوند. در قسمت بعدی نیز این مسئله مورد بررسی قرار می گیرد که رویکرد نویسندگان مجله نسبت به دولت و سیاستها و رویه های اجرایی آن چیست.

پس از آن که مشخص شد جهت گیری کلی مضامین نشریه به چه سمت و سویی است، بر اساس بررسـی آماری، تعیین خواهیم نمود که برای انجام رسـالت نشـریه در معرفی و نقد سینمایی، چه روش هایی مورد استفاده قرار گرفته است. بررسی بسامد تکرار مضامین گوناگون شیوه است که برای تشخیص این روش ها. نتایج این بررسی ها در چند جدول و نمودار ارائه خواهند شد.

در بخش بعدی فصـــل نیز تحلیل در واحد «مورد» را انجام خواهیم داد. پس از تعیین درصـــد حجم هر گونه مطلب(مقاله، مصـــاحبه، گزارش و ...) بررســـی آنها بر اســـاس کارکردهای چهارگانه رســـانه ای خبر دهی و آگاه ســـازی، آموزش و راهنمایی، تبلیغ و

ترویج و تفریح و سرگرمی انجام خواهد شد. در مرحله بعد مبحث زیبایی شناسی ملاک تحلیل قرار می گیرد تا موضع مجله در ترویج زیبایی شناسی بومی یا زیبایی شناسی غربی روشن شود. در ادامه تحلیل های موردی به بحث نقد در مجله ۲٤ می پردازیم تا مشخص شود که اولا چه حجمی از مطالب این نشریه به نقد و چه میزان به مطالبی در قالب معرفی و مباحث نظری می پردازد. پس از آن مشخص خواهیم نمود چه میزان از مطالب انتقادی نشریه دارای دیدگاه مثبت و چه میزان از آنها دارای دیدگاه منفی هستند و هر یک از این دو شیوه انتقاد در کدامین دسته بندی های نقد فنی، زیبایی شناسی، سیاسی اجتماعی و فرهنگی اخلاقی قرار می گیرد. نتایج این تحلیل های آماری در جداول و نمودارهای مختلف ارائه می شود.

تفاوت اصلی دو روش این است که در واحد ثبت مورد کل یک کلیشه انتقال پیام یعنی مقاله، گزارش، مصاحبه و... ملاک تحلیل قرار می گیرد و به این ترتیب هر مطلب تنها یک بار در محاسبات آماری مورد استناد قرار می گیرد. در واحد ثبت مضمون اما هر نوشته می تواند چندین مضمون گوناگون را در بر داشته باشد یا اساسا هیچ مضمون مرتبط با موضوع تحلیلی نداشته باشد. بنابراین در بررسی های مضمونی یک نوشته می تواند چندین بار محاسبه شود یا به طور کلی در محاسبات دخیل نشود. انجام این دو بررسی به شکل موازی کمک می کند تا ضعف های هر روش توسط دیگری پوشش داده شده و در نهایت به تصویری جامع و تحلیلی درست از محتوای همشهری سینما ۲٤ دست پیدا کنیم. پیش از انجام این بررسی ها نخست آمار مطالب منتشر شده بخش سینمای ایران همشهری سینما ۲٤ ارائه می شود.

همانطور که مشخص است در همشهری سینما ۲٤ حجم زیادی از مجله به مطالب بخش سینمای ایران اختصاص پیدا کرده است. نزدیک به ۲۵۰ مطلب در ٦ شماره نشان دهنده توجه خاصی است که به موضوع سینمای ایران در این نشریه صورت گرفته است. مشخص است که تمرکز اصلی نشریه در درجه اول بر مبحث سینمای ایران است و بقیه بخش ها در درجه دوم اهمیت قرارا دارند. مطلب این بخش را عموما صفحات ثابت مثل چهره های ماه، تولبدات ماه، روی پرده و فیلم ماه تشکیل می دهند. همانطور که در نمودار ۲-۱. دیده می شود توزیع این مطالب در شماره های مختلف مجله یکسان نیست. کمترین حجم به شماره ٤ با ۳۲ عنوان مطلب مربوط به سینمای ایران اختصاص دارد و بیشترین میزان نیز متعلق به شماره ۲ با ۵۲ عنوان مطلب است.

نمودار ۲-۱. حجم مطالب بخش سینمای ایران در هر شماره

تحلیل در واحد مضمون

برای بررسی و تحلیل محتوای مطالب بخش سینمای ایران همشهری سینما نخست از واحد ثبت مضمون بهره خواهیم برد. در وهله نخست برای بررسی رویکرد مجله در تحقق گفتمان انقلاب اسلامی یا تحقق گفتمان غیر دینی در سینما به تعیین چندین شاخص مضمونی نیاز هست تا با ثبت بسامد تکرار این مضامین بررسی مزبور را انجام داد. این شاخصه ها کمک می کنند تا مشخص شود هر مضمون در فضای کلی گفتمان انقلاب اسلامی است یا گفتمان غیر دینی و غربی. با مطالعه ابتدایی مطالب نشریه تعدادی از شاخص ها تدوین شدند تا کار بررسی مضامین به روش علمی انجام پذیرد. این شاخصه ها که در دو گروه قرار می گیرند به شیوه ای روشمند تکرار مضامین در نوشته های مجله را بررسی خواهد کرد تا به این ترتیب نشان دهند رویکرد نویسندگان این نشریه چیست.

دو دسته شاخصه های مضمونی مبتنی بر دو گفتمان انقلاب اسلامی و غیردینی و غربی از این قرارند:

در بخش گفتمان این شاخصه ها ملاک عمل قرار خواهند گرفت: تقویت ارزشهای اخلاقی در بعد فردی و اجتماعی، ترسیم چهره انسانی و لطیف دین و کاربرد آن در زندگی امروز، آسیب شناسی فرهنگ عمومی برای رسیدن به نگاهی واقع بینانه، تحکیم بنیان خانواده وتکریم زن، تقویت روحیه امیدواری، نشاط و تلاش، ترسیم آرمانهای بنیانگذاران انقلاب و عملکرد مثبت نظام.

در زمینه گفتمان غیردینی و غربی نیز این شاخصه های مضمونی تدوین شد: نقد ساختارشکنانه، سیاه نمایی عملکردها و وضعیت کشور، ترویج سبک زندگی غربی، نمایش تعارض مذهب با زندگی امروزی، ترویج روحیه یاس و ناامیدی، تضعیف بنیان خانواده و نقش ابزاری زن.

گونه های مختف مطالب بخش سینمای ایران همشهری با عنایت به همین شاخصه های مفهومی مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن به تفکیک گونه مطالب در جدول زیر ارائه شده است:

همانطور که مشخص است وجه غالب در بخش سینمای ایران تحقق گفتمان انقلاب اسلامی است . از یکی دو نمونه قابل اغماض از ترویج گفتمان غربی که بگذریم اکثریت غالب مضامین نشریه در تناسب با ارزش های انقلاب اسلامی است. یک نمونه از این مطلب گفتگوی مجله با عماد افروغ است. در این مطلب مضمون تحکیم خانواده و تکریم زن به خوبی دیده می شود:

«- راستی در این سینمای مطلوب جایگاه زن کجاست؟ حق بروز دارد؟

«- افروغ: اول بگویم که از نظر جوهری فرقی میان زن و مرد نیست. تفاوت به نفس نباتیشان بر می گردد پس هر فیلمی که بخواهد زن را تحقیر کند و مرد را موجود برتر و

خاص بداند، با آن مخالفم. ضمناً وقتی حرف به نفس نباتی کشیده می شود اگر فیلمی خواهد از جاذبه جنسی و مربوط به نفس نباتی زن به عنوان مظهر نفس انسانی او استفاده کند و زن را در این حد تقلیقل بدهد هم مورد مخالفت است. این نکته هیچ ربطی به لحاظ نکردن تفاوتهای فیزیولوژیک بین او و مرد و بی توجهی به تبعیضات تاریخی در حق او ندارد. زن از بد ارتباطی به مراتب قویتر از مرد است. پس نمی توان روابط اجتماعی او را منوط به خانواده کرد. اصلا انقلاب اسلامی انرژی زنها را آزاد کرد؛ چون خانواده ها به جامعه اعتماد کردند. اما باید برای خانمها خانواده اصل باشد. این چیزی است که باید در سینما جدی گرفته شود.»

در همین مصاحبه با عنوان «سؤال خوب نیمی از جواب است!» مضمون «ترسیم چهره انسانی و لطیف دین و کاربرد آن در زندگی امروز» نیز در فرازی دیگر دیده می شود افروغ در پاسخ سوالی در مورد استفاده از مفاهیم مذهبی در سینما می گوید:
« مثلاً حجاب یک جوهر است. در شرایط مختلف هم نمودهای مختلف دارد. در لباس کردی، گیلکی و بلوچی و ... نمودهای مختلفی دارد. حالا اگر کسی بخواهد یک نمود را به عنوان جوهر نشان دهد به نظر من می خواهد شرایط را دور بزند. نمی شود یک نمود را در سینما نشان داد و مدعی شد که این همان جوهر اصلی ای است که باید نشان داده شود. باید ظوابط و شرایط آن و نوع بروز جوهر معلوم شود. نمودها با توجه به نیاز اقشار مختلف جامعه و شرایطی که در آن فیلم حادث می شود متفاوتند.»

نمودار ۲-۲. نسبت مضامین مربوط به تحقق گفتمان انقلاب اسلامی و گفتمان غیر دینی در سینما

نمودار ۲-۳. نسبت مضامین مرتبط با تحقق گفتمان انقلاب اسلامی در بخش سینمای ایران

همانطور که از نمودار بر می آید پر تکرارترین مضمون در تحقق گفتمان انقلاب اسلامی در سینما «آسیب شناسی فرهنگ عمومی برای رسیدن به نگاهی واقع بینانه» است. این مضمون را از جمله در مطلب پوریا شجاعی در شماره دوم می بینیم:

«نگاههای رو به افق، جملاتی گل درشت و آدمهایی که دلیلی برای اعمالشان ندارند. اینها سندروم فیلمهای معنا گرا هستند و سیب و سلما در بروز این علایم از هیچ چیز دریغ نکرده است. این بار با جوانی طرف هستیم که نه می داند چه می خواهد و نه هدفی دارد. به بیابانها و باغهای اطرافش سرک می کشد و هرازگاهی متفکرانه به مردم می نگرد و چون فیلم معنا گراست نیازی به توضیح انگیزه و قصد او نمی بیند. ممکن است به ناگاه تصمیم بگیرد ادامه مسیرش را پیاده طی کند، باز با نگاههایی به ظاهر عمیق به اطراف نظری بیندازد و در این میان به طور اتفاقی سیبی نوش جان کند تا قصه اصلی آغاز شود. با شروع این داستان آرزو می کنیم ای کاش فیلم در همان فضای گشت و گذار می ماند چرا که از این احظه به بعد با انواع و اقسام این سندروم مواجه می شویم که لحظه به لحظه بر شدت و غلظتش اضافه می شود: باغبانی عارف مسلک که مشخص نیست منظر چیست، چوپانی که حضورش نه مایه انبساط خاطر است و نه اساساً لزومی دارد، دختری بی روح که فلسفه خوانده و ....

«با چنین شرایط، پذیرش حتی یک کلمه از شخصیتهای فیلم انرژی زیادی می طلبد، چه رسد به مضامین عرفانی که سعی دارد با بدترین وجه ممکن آن را به مخاطبش عرضه کند. بنابراین وقتی قهرمان داستان، در برابر هر اقدامی واکنشی جز چهره درهم رفته و نگاههایی که گاهی بی دلیلی به نظر می رسند ندارد، تمام تلاشها نظیر ممارست برای کسب حلالیت، بی تأثیر به نظر می رسد. نتیجه این موارد پایانی است که با نگاههای «معنا دار» اهالی روستا به طلبه ای جوان که در جاده ای قدم می گذارد، به اوج معنا گرایی! می رسد. و سالنهای خالی از تماشاگر میزان موفقیت فیلم را در این امر به خوبی نشان می دهد.»

مشخص است رویکرد غالب در بخش سینمای ایران نشریه همشهری ۲٤ نقد عملکرد دولت در حوزه سینماست. یکی از مضامین پر تکرار این بخش نقد ممیزی های سلیقه ای است. مثلا در خبری در باره داریوش مهرجویی ابطور می خوانیم: «احتمالاً فیلم ساز قدیمی سینما فکر نمی کرد بعد از اهدای جایزه ویژه هیات داوری جشنواره فجر به **نارنجی پوش** و حمایت از اکران آن در بهار، برای فیلم بعدی اش مجوز ساخت صادر نشود. اما شورای پروانه ساخت برای **بیا تا برویم** مجوز صادر نکرد و مهرجویی هم به شدت عصبانی شد.

«او درباره این اتفاق گفت: «واقعاً خیلی جالب است که در جشنواره فجر سال گذشته هیات داوران جایزه مهم فیلم دینی «بین الادیان» را به فیلم نارنجی پوش دادند ولی الان نمی گذارند من فیلم دینی بسازم و از نظر آقایان فیلم نامه دینی و فلسفی من مردود است. خیلی دوست دارم بینم چه کسی سناریوی من را خوانده و رد کرده؟ اصلا اعضای این شورای پروانه ساخت چه کسانی هستند و فیلنامه ها را از چه منظری می خوانند؟

من فکر می کنم بعد از این همه سال فیلم ساختن بهتر از هر کس دیگری می دانم چه قصه و مضمونی مجاز است و چه قصه ای غیر مجاز».»

در شماره چهارم نیز غلام رضا آزادی در مورد همین مسئله شکایت می کند: «می خواهیم در فیلمها دم از عشق بزنیم ممنوع است. می خواهیم در فیلمها از مشکلات حرف بزنیم ممنوع است، آخر از چه چیز حرف بزنیم؟ من عمری است که به حرفه فیلم سازی مشغولم، سینما حرفه من است. از بیرون و از حرفه های دیگر وارد آن نشدم که جلوی حرف زدن خودم را بگیرم. من امروز به چه کنم چه کنم دچار شده ام. اصلا سینما به این مشکل دچار شده.»

از دیگر مضامین در نقد عماکرد دولت «عدم تخصیص بودجه مناسب و عادلانه است که البته در میان ٤ شاخصه مضمونی کمترین بسامد را داشته است. نمونه ای از این مضمون در گزیده اخبار و به نقل از علی معلم است: «ما نمی توانیم بودجه کلانی برای تولید فیلمهای سینمایی داشته باشیم و با بودجه ۷۰۰ یا ۸۰۰ میلیون تومانی جز تولید فیلمهای اجتماعی و طنزهای شهری راه دیگری برای فیلمساز وجود ندارد. با بودجه موجود اثر علمی-تخیلی، تاریخی و آثاری با موضوع امنیت ملی نمی توان تولید کرد. به عنوان نمونه با بودجه های جاری نمی توان درباره امنیت ملی فیلم ساخت در صورتی که با وجود تهاجم بین المللی تولید چنین آثاری امری ضروری به نظر می رسد.»

همانطور که نمودار ۲-۵ نشان می دهد مضامین موید عملکرد دولت تنها ٤ درصد کل مضامین را تشکیل می دهند. یکی از نمونه های این مضامین کمیاب، مطلب کوتاهی است در بخش نقل قولهای ماه شماره سوم، آنجا که احمد نجفی اینطور از مدیران سینما حمایت می کند:

«من شاهد زحمات مسئولان سینمایی بوده ام ... ما جلسات زیادی برگزار کردیم اما در هر صورت باید برای جلوگیری از تنش بیشتر به برخی کارها تن می دادیم. متأسفانه برخی از درون سینما به تنه آن چاقو می زنند، بهتر است کمی عدالت را رعایت کنیم. شمقدری شجاعترین معاون سینمایی است که واقعاً کار انجام می دهد. همان افرادی که با سینما اینگونه رفتار کردند ما را به فیلمهای گنج قارونی رساندند.»

نمونه جالبتر اما جایی است که خود یکی از مدیران دولتی سینما با مجله مصاحبه می کند و نمونه ای از مضمون مدیریت آگاهانه و دارای برنامه را به کارنامه نشریه اضافه می کند. علیرضا سجاد پور در این مصاحبه که در شماره سوم و با عنوان «لیست سیاه نداریم» منتشر شده است می گوید: «مصاحبه کننده: موضوع صحبت ما فیلمهایی است که پروانه

ساخت نمی گیرند و حتی گاهی شنیده می شود سازندگانشان نباید به دریافت پروانه ساخت امیدوار باشند. یک لیستی هم از فیلمها داریم حالا از کجا شروع کنیم؟

«علیرضا سجاد پور: بگذارید من اول یک مقدمه بگویم. یک زمانی حدود شش یا هفت سال پیش آمار تولید فیلم به شدت سقوط کرد و در سال به ٤٠ فیلم رسید. اکران هم به زیر ۲۵ فیلم در سال محدود شد. آن هم در زمانی که حدود ۳۵۰ تا ٤٠٠ کارگردان داشتیم. رکود مال آن دوران بود نه الان. عدم امنیت شغلی و بیکاری مال آن دوران بود نه الان. در سه سال گذشته میزان تولید رشد کرده. چند سال پیش آنقدر تولید کم بود که تغذیه جشنواره فیلم فجر هم با مشکل روبه رو بود. به همین دلیل تله فیلمها به جشنواره راه پیدا کردند. اما در یکی دو سال اخیر تعداد تله فیلمها اندک شد. بخش ویدئویی را هم کاملاض از جشنواره جدا کردیم. تولید در سال ۸۹ از مرز ۱۰۰ فیلم هم گذشت و همه فیلمهایی که پشت اکران بودند هم مشکلاشان حل شد. اواسط سال ۸۸ ک من مسئولیتم را قبول کردم حدود ۱۱۰ فیلم پشت اکران بود. اما سال قبل از ۱۰۰ فیلم حدود ۹۰ فیلم اکران شد. همه اینها را گفتم تا بگویم ما الان هم رونق تولید داریم هم رونق اکران. هر فیلمی هم که توانایی فروش داشته خوب فروخته است. ما سال قبل اکران تک سانس را محدود کردیمو تعداد محدودی هم اثر پشت اکران داریم. پس بر خلاف مطالبی که گفته می شود اتفاقا الان امنیت شغلی وجود دارد و تعداد مجوزها هم بالا رفته. بخش خصوصی هم اتفاقاً فعال شده . آثار متنوع و ژانرهای مختلف هم زنده شده . ژانری مثل ژانر سیاسی که در سینمای ایران از بین رفته بود دوباره جان گرفت. فیلمهای خوب سال گذشته ما فیلمهای دفاع مقدس بودند. در همین جشنواره کودک در سال گذشته ١٦ فیلم با محوریت کودکان داشتیم که دستمان را برای اکران فیلمهای این ژانر باز گذاشته است، اینها همه ناشی از رونق تولید است.»

تحلیل در واحد مورد

در این قسمت بخش سینمای ایران بر اساس کارکرد های گوناگون رسانه ای خبر دهی و آگاه سازی، آموزش و راهنمایی، تبلیغ و ترویج و تفریح و سرگرمی مورد بررسی قرار می گیرند. در بخش بعدی نیز رویکرد انتقادی مجله در بخش سینمای ایران درحوزه تخصصی سینما به طور دقیق تحلیل می شود تا اجزاه و روش های گوناگون آن آشکار شود.

همانطور که در نمودار ۲-٦. مشخص است بیشترین مطالب بخش سینمای ایران را یادداشت ها تشکیل داده اند. دیگر مطالب نیز به طور متناوب مورد توجه قرار گرفته اند.

به عبارت دیگر از تمام انواع روش های انتقال پیام در بخش سینمای ایران استفاده شده است. در مورد قالب این مطالب نیز نمودار ۲-۷. به خوبی نشان می دهد که تمرکز عمدتا بر دو کارکرد رسانه ای خبر دهی و آگاه سازی و آموزش و راهنمایی بوده است. به این نکته باید دقت کرد که در این پژوهش مقالات و یادداشتهای سینمایی که با هدف ارائه دیدگاهی جدید راجع به یک موضوع با تشریح نظرات شخصی نویسنده در باره یک اثر نگاشته شده اند را در زمره مطالب مربوط به کارکرد راهنمایی قرار داده ایم.

یک مورد جالب در این بخش تنها نمونه تفریح و سرگرمی در بخش سینمای ایران است جایی که هادی مقدم دوست در مطلبی با نام «اصغری.... ما چرا قطعیم؟» در شماره چهار خاطره دیدن فیلم محمد رسول الله در دهه ٦٠ و زمان قطعی های برق را اینطور تعریف می کند: «مرد تلفنش را قطع کرد و با افتخار از باجه خارج شد و همه به خانه های خود رفتند و من تا آمدن برق در کوچه ماندم و برای خودم می چرخیدم و من که در شعف شنیدن جمله مرد بودم با خودم و با خوشحالی توی کوچه هی بلند بلند می گفتم: «اصغری ما چرا قطعیم؟» «اصغری ما چرا قطعیم؟» وقتی که به خانه خواهرم برگشتم برق آمده بود و تلویزون روشن بود اما دیگر درست پیگیر فیلم نشدم.... روزهای دیگری در سالهای دیگری هم بود که فیلم از تلویزیون پخش شد و من صحنه های زیادی از فیلم را به خاطر دارم. مانند صحنه مبارزه با ذوالفقار علی یا آنجایی که بلال تحت شکنجه بود و احد احد و صمد صمد می گفت و تخته سنگ روی سینه اش بود. .... باور می کنید از این چندین باری که فیلم را از تلویزیون پخش کرده یک بار هم درست و کامل ننشسته ام و فیلم را نگاه کنم؟ چه خوب شد یادآوری شد و حالا امیدوارم که بروم و یک بار کامل بنشینم و فیلم را نگاه کنم.»

نمودار ۲-۸. نسبت مطالب مرتبط با زیبایی شناسی اسلامی-ایرانی و زیبایی شناسی غیر دینی-غربی

همانطور که در نمودار ۲-۸ دیده می شود در میان مطالبی که به موضوع زیبایی شناسی مرتبط اند، غلبه با آنهایی است کهدر حوزه زیبایی شناسی اسلامی- ایرانی قرار می گیرند. این مسئله نشان می دهد که دست کم در بخش سینمای ایران عنایتی به موضوع زیبایی شناسی بومی وجود دارد. برای نمونه در شماره چهارم در مطلبی با عنوان «نمی شود نشان داد فقط بهانه است»، سید محمد بهشتی اینطور به سوالات مصاحبه کنندگان پاسخ می دهد: «- و شما معتقدید آن وجه درونی با معنوی یا شخصی را می شود در سینما و درام نشان داد؟

«- بهشتی: بله چرا نمی شود؟ اگر سینما هنر است ، اگر سینما می خواهد پا توی کفش هنر بکند یعنی باید بتوان در آن از این حرفها زد و به این جنبه ها پرداخت. چنانکه در ادبیات هست و شما وقتی به تاریخ ادبیات ایران نگاه می کنید مولانا و عطار و ....کلا به این جنبه دین دارند دقت می کنند. سینما هم باید بتواند وارد چنین عرصه ای بشود.

«- ولی این وجه خیلی دراماتیک نیست.

«- بهشتی: اتفاقا بسیار دراماتیک است! اصلا درام اینجاست.

«- در همین وجه معنوی؟

«- بهشتی: در همین وجه معنوی. اصلا هر درامی که در این عالم وجود دارد اگر اعتباری پیدا کرده زیر نقشش این جنبه بوده. شما فیلم دیو و دلبر را وقتی نگاه می کنید اگر شناخت داشته باشید نسیت به زیر نقشهای معنوی تازه می فهمید درام به این قدرتمندی را به اعتبار آن نقشهاست که دارد. اگر آنها را ازش بگیرید می شود میکی ماوس. ما در این جنبه های وقایع و شخصیتهای دینی تأمل نکرده ایم. اگر تأمل کنیم چرا نشود آنها را در سینما آورد؟

«- ما در هیچ یک از این سریالها، ائمه را در خلوت خودشان یا داخل خانه شان با خانوادشان یا در یک موقعیت عادی و نزدیک به خودمان نمی بینیم.

«- بهشتی: به خاطر این است که آن جنبه ها را درست نمی شناسیم می گذاریمش پشت یک دیوار بتنی به قطر هفت متر و از آنجا هاله نور نشان می دهیم.»

در این بخش البته نمونه مخالف هم کم نداریم. از میان ۱۳ مطلب بخش سینمای ایران که مرتبط با زیبایی شناسی غربی و غیر دینی تشخیص داده شدند، این دو مورد نمونه های جالبی هستند.

نیما حسنی نسب در شماره دوم در تحلیل سینمای مهرجویی او را به کل به نفع ابسور مصادره می کند و می نویسد: «پیامک یک: نشانه شناسی آبسورد/پوچ/بیهوده/ جفنگ(بالاخره معادل جفنگ پیشنهاد دکتر فردید است یا اخوان ثالث؟!) به شکل دقیق با اطمینان از جفنگیت یا آنتی جفنگیت آثار هنری، خودش یک موقعیت پوچ و بیهوده است که به لطف سؤال جفنگ شما درش گرفتار شده ایم. / پیامک شماره دوم: آنها که الماس سی و سه را دیده اند، می توانند نگاه و فضای آبسورد را از همان تجربه اول رد گیری کنند. اگر فیلم گرفتار شرایط جفنگ تهیه کننده نمی شد، الان شاید این چند تا پیامک هم لازم نبود. / پیامک چهارم: دختر دایی گم شده(بدون شرح)/ پیامک هفتم: خود فیلمساز به تمایلات و تظاهرات جفنگ در کارهایش شهادت داده(ر.ک. گفتگوی نیما حسنی نسب با داریوش مهرجویی در ماهنامه فیلم)/ پیامک هشتم: دکتر مسعود دلخواه در یک

سخنرانی گفت «شما فرض کنید وسط سخنرانی ما ناگهان یک نفر در سالن را باز کند و شروع کند به آواز خواندن اینجاست که می گوییم It's absurd (این را از یک وبلاگ فیلترنشده بلند کردم چون به نظرم شبیه کارهای آقای مهرجویی آمد)»

ابوالفضل صفاری هم در تشریح فیلم خود در شماره چهارم با دیدگاهی که چارچوب نظری خود را کاملا از غرب گرفته است، می نویسد: «زندگی همیشه در جایی آشفته می شود که عشق روی خود را پنهان می کند و این غیاب آغاز تمام خود محوریهای بشریت است. مکتبهای پیش رونده امروز که کسانی چون هایدگر و ژان پل سارتر و دیگر اندیشمندان به دنبال آن بودند، به این اعتقاد داشت که خودمحوریها، خودمشغولیها و زشتیهای انسان تنها را باید به دیگران نشان داد تا همگان بتوانند در قبال تنهایی و رفتار خود در برابر دیگران احساس وظیفه کنند. هر کس که ضعیفتر و خردتر باشد این دردها را بیشتر لمس می کند. در فیلم از تهران تا بهشت تمامی انسانها متوجه غیبت این عشق در اطراف خود می شوند. غزال که زنی است با آمال و آرزوهای معمول عشق به مادر شدن را یکی از نیازهای مهم خود می داند. احساساتش را از طرف شریک زندگی خود سرکوب شده می بیند و با فرار همسر مواجه می شود. آلودگیهای زندگی انسان امروز او را محاصره می کند. همسرش به دنبال خوشبختی و بهشت خود از شهر بیرون می رود و غزال نیز راه او را دنبال می کند...

«رئالیسم انتقادی که خود را با عصر حاضر عجین کرده نشانگر بی پرده بودن این زشتی هاست و تمام تلاشهایمان در این پروژه بر این بوده است که زندگی و واقعیت را به نمایش بگذاریم.» البته همانطور که پیشتر گفته شد رویکرد غالب در بخش سینمای ایران، زیبایی شناسی اسلامی–ایرانی است.

همانطور که جدول ۲–٦ و نمودار ۲–۹ نشان می دهند در بخش سینمای ایران رویکرد انتقادی غالب است. در این میان نقدهای منفی به وضوح بیش از نقدهای مثبتند. به نظر می رسد که فضای کلی نشریه بیشتر نگاه منفی به کارنامه سینمای ایران دارد. نقدهای منفی نزدیک به دو برابر نقدهای مثبتند که خود گویای همه چیز هست. در این میان بخش عمده ای از مطالب نیز رویکردی خنثی دارند. این قبیل مطالب یا صرفا به معرفی یک اثر بدون جانبداری و موضع گیری در مورد آن می پردازند و یا متونی هستند که بحثهای نظری را در اولویت خود قرار داده اند. یک نمونه از گروه دوم مطلب شهره گلپریان در شماره پنجم در مورد وضعیت نقد سینما در ژاپن است. او در مطلبی تاریخی– تفسیری می نویسد: «نوشته های هاسومی در مورد آثار کارگردانهایی چون ازو و جان فورد و ژان رنوار مسیر نقد فیلم را در سالهای ۸۰ ژاپن به کلی دگرگون کرد. او در معرفی

و شناساندن تا که شی کیتانو نقش مؤثری ایفا کرده است. هاسومی طرفداران بسیاری داشته است که همیشه نوشته های او را دنبال می کردند و آثار او را بنای تفکرات خود درباره سینما قرار داده اند و خود را طرفدار «مکتب هاسومی» خوانده اند. از میان شاگردان هاسومی کارگردانهایی متولد شده اند که امروزه به عنوان کارگردانهای موج نو جایگاه خوبی در سینمای هنری ژاپن دارند. کارگردانهایی چون کیوشی کوروساوا، شین جی آئویاماو ... آنها تأثیر بسیاری از استاد خود هاسومی گرفته اند. محتوای نقدهای هاسومی آنچنان خواننده را جذب می کرد که حتی اگر مخالف نظر خواننده هم بود باز آنها را به دیدن فیلم مزبور تشویق می کرد.»

در این شماره بهروز تورانی نیز مطلب مشابهی در مورد نقد فیلم در انگلستان دارد: «حتی در دهه نود و پیش از دهه گسترش و انتقال محتوی روی وب نقد فیلم تلویزیون با موفقیت مورد آزمایش قرار گرفته بود. از میانه دهه ۹۰ بسیاری از کانالهای تلویزیونی در انگلستان به نقد و معرفی فیلم روی خوش نشان دادند. تلویزیون بخش خصوصی عمدتا به نمایشهایی گه گاهی قطعاتی از صد فیلم برتر در ژانرهای مختلف روی آورد که در آنها منتقدی که از ستایندگان یک فیلم بود بین یک تا سه دقیقه درباره آن حرف می زد و صحنه های کلیدی فیلم در لابه لای صحبتهای منتقد نمایش داده می شد. این نوع برنامه ها هنوز هم به مناسبتهای مختلف تکرار می شود و مورد استقبال قرار می گیرد. چنین برنامه هایی گاه به شکل چند شب متوالی در هفته یا هفته ای یک شب ادامه پیدا می کند و کانال چهار که متعلق به بخش خصوصی است بهترین نمونه های آن را پخش می کند.

«در تلویزیون بخش عمومی (اینجا تلویزیون بخش دولتی ندارد و بخش عمومی که با بخش دولتی تفاوت دارد پخش رادیو تلویزیونی عمومی نه چندان رایگان را برای عموم مردم به عهده دارد)کانال جهانی و کانال بیست و چهار ساعته خبری داخلی برنامه های منظم هفتگی دارند که در آنها یک مجری – منتقد درباره فیلمها صحبت می کند و قطعاتی از آنها را نمایش می دهد و اخبار سینمای روز را هم می دهد. از بهترین نمونه های این نوع برنامه برنامه های بری نورمن بود که در آن آقای نورمن که منتقد و نویسنده سرشناسی هم بود مقابل دوربین می نشت و درباره ۵ یا ۱۰ فیلم برتر هفته صحبت می کرد.»

همانطور که از نمودار ۲-۱۱ مشخص است در بخش سینمای ایران بیشتر مطالبی که رویه مثبت در مورد سینما دارند از دیدگاه زیبایی شناسی به موضوع نگاه کرده اند. نمونه ای از این رویه را می توان در نقدی درباره فیلم «کلاه قرمزی و بچه ننه» دید. علی مصلح حیدر زاده در نقد خود با عنوان «دورت نگذشته لوطی» در شماره پنجم می نویسد:

«با صـدای مونوتن حمید جبلی، پسـر خاله صـاحب اصـول خاصـش مانده و لوطی وار همچنان می خواهد به همه کمک کند. شـاید به نظر برسـد نفس حضـور او و دیالوگها و موقعیتهایی که رقم می زند، هجو سینمای فارسی باشد که البته هست. اما از سوی دیگر در دنیای سـاختگی و با منطق کارتونی همه آثار تصـویری کلاه قرمزی، نوعی الهام گیری از من اسبات اجتماعی و خانوادگی هم وجود دارد. منفعت طلبی و حقه بازی عروسـکها برای رسیدن به خواسته های کوچکشان در طول این سالها بیشتر شده. آنها در موقعیتهایی قر ار می گیرند که مجبور می شوند کنشهای پیچیده تری برای رسیدن به امیالشان داشته باشـند. اما پسـر خاله همچنان دارسـته و درویش مسـلک باقی مانده. شـاید یکی از بهترین موقعیتهای خلق شـده جایی اسـت که پسـر خاله کیکهای مسـموم را می خورد و بیمار می شـــود و وقتی به او می گویند چرا کیکها را دور نریختی جواب می دهد: «موچه ها می خورن مریض می شن، به اونا که نمی شه سرم زد»

«این اغراق هولناک در خیر خواهی و گذشـــت و ایثار همان قدر که خنده بر لب می آورد، تلنگری به ذهن مخاطبان از کودک تا بزرگســـال هم می زند. دنیا چنان تیره و تار شده و آدمها و شخصیتها چنان به خودشان و منفعتهای ریزو درشتشان فکر می کنند که این شکل گذشت و فداکاری عجیب و معوج و خنده دار به نظر می رسد.»

همین شـیوه نقد زیبایی شـناسـانه بدون نقد فنی را در مصـاحبه ای با عنوان «قرار بود یک فنجان چای بخوریم و برویم» در شـماره شـشـم، می شـود به نحو دیگری دید. در این مصاحبه یکی از بازیگران اینطور از فیلم بوسیدن روی ماه حمایت می کند:

«- بوســیدن روی ماه بعد از جشــنواره فجر در نظر ســنجی مجله ۲٤ و مجبه فیلم رأی بالایی در میان منتقدان داشــت و بازی شــما هم طرفداران زیادی پیدا کرده بود. اما دوران جشنواره زیاد به آن بها ندادند از این موضوع ناراحت شدید؟

«- یزدان بخش: من در یکی از مراسـم جشـنواره که دکتر حسـینی وزیر ارشـاد هم در آن حضـور داشـتند گفتم متأسـفم که مهربانانه با این فیلم برخورد نشـد. من بازیگر حرفه ای نیبتم و جوایز جشـنواره ها خیلی در آینده سـینمایی ام نقشـی ندارند. آدم در این سـن و سـال آینده چندانی برای خودش متصـور نیسـت. من فقط به خاطر نادیده گرفتن زحمت دیگر عوامل به خصوص کارگردان، فیلمبردار و صدابردار متأثر شدم. اما متأسفانه فیلم در جشنواره توسط داوران دیده نشد. در واقع اصلا قرار نبود دیده شود.»

جمعبندی و نتیجه گیری

هدف این پژوهش این بود که با اســتفاده از روش علمی تحلیل محتوا، ٦ شــماره مجله همشـهری سـینما بررسـی شـده و جهت گیری های کلی این نشـریه در قبال شـماری از مباحث مانند زیبایی شناسی بومی، نقد دولت، کارکردهای رسانه ای و روش های انتقادی آشـکار شـود. مهمترین سـوالاتی که در این پژوهش تلاش شـد تا پاسـخ داده شـود عبارت بودند از: نسبت این نشریه با گفتمان انقلاب اسلامی در سینما چیست؟ گفتمان غیر دینی و غربی چه حضـوری در محتوای این نشـریه دارد؟ دیدگاه این مجله نسبت به سیاستهای فرهنگی و سـینمایی دولت چیسـت؟ برای انتقال پیام در این مجله کارکردهای رسـانه ای چهارگانه خبردهی و آگاه سازی، آموزش و راهنمایی، ترویج و تبلیغ و تفریح و سرگرمی چه حجمی را به خود اختصــاص داده اند؟ زیبایی شــناســی اســلامی-ایرانی در آن چه جایگاهی دارد؟ شیوه های و حوزه های نقد مثبت و منفی در این نشریه کدامند؟

نتیجه تحلیل محتوی ٦ شماره مورد بررسی همشهری سینما ٢٤ نشان می دهد که رویکرد غالب مجله تحقق گفتمان انقلاب اسـلامی در سـینماسـت. علی رغم وجود چند مضـمون محدود در تایید گفتمان غربی و غیر دینی در سـینما در این نشـریه، ٩٦ درصـد مضـامین مرتبط با گفتمان انقلاب اسـلامی بود. از میان ٦ شـاخصـه مضـمونی طرح شـده در مورد گفتمان انقلاب اسـلامی یک مورد یعنی «تحکیم بنیان خانواده و تکریم زن» در این بخش کمترین نمود را داشـت. در میان ٥ مورد دیگر نیز «آسـیب شـناسـی فرهنگ عمومی برای رسیدن به نگاهی واقع بینانه» با ٤٤ درصد در صدر مضامین قرار گرفت.

در پاسخ به سوال بعدی یعنی رویکرد مجله در قبال سیاستهای فرهنگی دولت مشـخص شد که رویکرد غالب نشریه در این مورد، نقد است. تنها ٣ درصد از مضامین در حمایت از سـیاسـتها و رویه های اجرایی دولت در مورد سـینما (و تلویزیون) بود که در نتیجه ٩٧ درصـد مضـامین دارای رویکرد انتقادی نسـبت به دولت بودند. این درصـد بالا هیچ جایی برای تردید در این مورد باقی نمی گذارد که این نشریه محملی است برای طرح انتقاداتی که نسبت به سیاستها و رویه های اجرایی دولت در مورد سینما وجود دارد. پرتکرارترین مضـمون در این بخش با ٥٥ درصـد کل مضـامین، «سـوء مدیریت دولت در بخش سـینما» اسـت. پس از آن نیز «اعتراض به ممیزی های سـلیقه ای» با ٢٤ درصـد و «عدم حمایت معنوی دولت از سینما و سینماگران» با ١٤ قرار دارند.

در بررســی های موردی نیز مشــخص شــد که پر حجم ترین کارکردهای رســانه ای در همشـهری سـینما در وهله اول خبردهی و آگاه سـازی اسـت پس از آن با نسـبت کمتر، آموزش و راهنمایی. دو کارکرد ترویج و تبلیغ و تفریح و سـرگرمی در مجموع تنها چهار

درصد از حجم مطالب را به خود اختصاص داده اند. به ویژه به نظر می رسد که کارکرد تفریح و سرگرمی که در تاثیر گذاری عمقی و بلند مدت آن جای تردید نیست، با تنها ٤ مطلب دچار غفلت بیشتری شده است.

بررسی مسئله نسبت نشریه با مبحث زیبایی شناسی نیز نشان داد که زیبایی شناسی اسلامی-ایرانی با ۱۳ و زیبایی شناسی غبر دینی و غربی با ۱۵ درصد، حجمی تقریبا مساوی از مجله را به خود اختصاص داده اند. با توجه به حجم بالای مطالب بی توجه به زیبایی شناسی بومی(۷۲ درصد) به نظر می رسد که به تدوین راهبردی برای حل این مشکل و پیشی گرفتن مطالب مرتبط با زیبایی شناسی بومی در مجموع مطالب نیاز هست. اجماع گفتمانی در چنین نشریات تخصصی ای می تواند در نهایت به تاثیر گذاری مثبت در این زمینه بر سینمای ایران و تولیدات آن نیز منجر شود.

در مورد رویکرد نقد سینمایی همشهری هم مشخص شد که در مجموع و با در نظر گرفتن کلیت مطلب، هر دو دیدگاه نقد مثبت و منفی تقریبا به یک اندازه در مجله وجود دارد. ٤٥ درصد مطالب اساسا رویکرد انتقادی ندارند. مطالبی مثل معرفی فیلم یا بحثهای نظری و آموزش های نقد نویسی از آن جمله اند. در میان مطالب باقی مانده نیز ۲۹ درصد دیدگاه نقد منفی دارند و ۲٦ درصد دارای رویکرد نقد مثبت هستند. پیشی گرفتن اندک نقد مثبت بر منفی در مجموع شاید چندان سوال برانگیز نباشد اما وقتی بدانیم که در مورد بخش سینمای ایران اکثر مطالب رویکرد منفی دارند و در بخش سینمای جهان بیشتر مطالب رویکرد مثبت، می توان با اغماض به این نتیجه رسید که رویکرد کلی مجله به سینمای ایران منفی و به سینمای دنیا مثبت است. در مورد حوزه های نقد هم مشخص شد که نقد سیاسی-اجتماعی و نقد فرهنگی-اخلاقی با کمترین استقبال در نشریه مواجهند. در مورد دو نوع باقیمانده هم این پژوهش به این نتیجه رسید که بیشتر نقدهای منفی متعلق به حورزه فنی و به عکس بیشتر نقدهای مثبت مربوط به حوزه زیبایی شناسی هستند. به عبارت دیگر منتقدان و تحلیلگران نشریه برای اثبات دیدگاه مخالفشان در مورد یک اثر به استدلال های فنی و تخصصی متوسل می شوند اما برای توضیح دلایل پسندیدن یک اثر چندان به احتجاجات فنی روی نمی آورند.

برای رجوع به منابع :

طرح پژوهشی پیوست شده است.

آرشیو مجلات همشهری ۲٤ شماره مجلات همشهری ۲٤ در دولت نهم